



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۱۴

شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱ فوریه ۲۰۲۴

رهبر در مانده و تسلیم "قهرمانانه"

درباره "معامله" میان خامنه‌ای و ترامپ

محسن ابراهیمی

صفحه ۲

برنی سندرز و مسئله الیگارش‌ی مالی

گفت‌وگو با حمید تقوایی

صفحه ۴

پشت تراژدی نیان چه کسانی هستند؟

اصغر کریمی

صفحه ۶

پدیده جان‌سخت مردسالاری و جامعه ایران

گفت‌وگو با کیوان جاوید

صفحه ۸

سکوت نماینده دولت آمریکا در نشست حقوق بشری ژنو

مهران محبی

صفحه ۱۰

اطلاعی‌های هفته اخیر

صفحه ۱۱

رهبر درمانده و تسلیم "قهرمانانه" درباره "معامله" میان خامنه‌ای و ترامپ



محسن ابراهیمی

انقلاب زن زندگی آزادی آن‌چنان ترک برداشته است که حتی از دست "خدای دهه شصت" هم دیگر کاری ساخته نیست. خدایی که البته فقط در تصور و توهم "رهبر درمانده" قابل احضار بود.

حکومت اسلامی با اقتصادی ورشکسته و در گل نشسته، مردم در کمین نشسته، و مهم‌تر از همه کابوس انقلابی زبور و کوننده مواجه است. دلایلی که او را مجبور کرده است امروز به آمریکا التماس "معامله" کند. آن هم آمریکای تحت سرکردگی ترامپ. همین خامنه‌ای زمانی خطاب به جناح‌های اصلاح طلب طرفدار مذاکره با آمریکا امرونی کرده بود که "اگر حاضرید باج بدهید، از همه خطوط قرمزتان عبور کنید، آنوقت آمریکا دیگر با شما کاری ندارد."

دوم: شکست منطقه‌ای و جهانی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی با هر پوشش تبلیغاتی، عملاً یک اهرم سیاسی برای اخاذی سیاسی در جهان بوده است. حتی از نظر مؤمن‌ترین مقامات اسلامی هم قرار نیست آنها برای اسلام و ایدئولوژی اسلامی خدمت کنند. قرار است اسلام و ایدئولوژی اسلامی در خدمت قدرت و ثروت و چپاول آنها باشد. اکنون که معلوم شده است فتح کربلا و قدس و به اهتزاز در آوردن پرچم اسلام در کاخ سفید پوچ بوده است؛ اکنون که محور مقاومت درهم‌شکسته است و نیروهای نیابتی تارومار شده‌اند؛ اکنون که مسیر حکومت اسلامی از عراق و سوریه به کربلا و قدس به مسیر آمریکا و اسرائیل به سمت جمهوری اسلامی تبدیل شده است، آیا راهی جز تسلیم خامنه‌ای به ترامپ، کسی که فرمان قتل فرمانده سپاه قدس را صادر کرده باقی مانده است؟ راهی مانده است جز اینکه پزشک‌های و ظریف و عراقچی را برای دلالتی معامله با ترامپ مأمور کند و البته یادش نرود که با لفاظی درباره "کینه‌های پنهانی و خبیث پشت لبخندهای دیپلماسی" صورت خود و طرف‌دارانش را سرخ نگه دارد. طرف‌دارانی که یک عمر است گوش‌هایشان را درباره نیات خبیث "شیطان بزرگ" پرکرده است.

ترامپ و سیاست چماق و هویج در مقابل خامنه‌ای

روشن است که اگر مذاکره و معامله‌ای صورت بگیرد، طرف مقابل ترامپ، "رهبر درمانده" ای است که در داخل منفور و در منطقه منزوی است. در چنین شرایطی است که ترامپ و تیمش، هویج و چماق را هم‌زمان نشان خامنه‌ای داده‌اند که یکی را انتخاب کند.

ترامپ از یکطرف می‌گوید دنبال رژیم‌چنج در ایران نیست؛ ایران با همین رهبران هم می‌تواند کشور موفق شود؛ توافق جدید با ایران خوب خواهد بود؛ مایک پمپئو و جان بولتون هم که طرف‌دار جنگ بودند دیگر در کابینه‌اش نیستند و دیدیم که تیم او در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل هم از انتقاد درباره کارنامه حقوق بشری جمهوری اسلامی خودداری کردند. اینها هویج‌چرخانی ترامپ است. هم‌زمان اما او علناً اعلام کرد ایران نباید اتمی شود و در غیر این صورت، تیمش بارها گفته‌اند حمله نظامی هم یک گزینه خواهد بود. این هم چماق‌چرخانی ترامپ است. سخنان خامنه‌ای در روز بعثت روشن کرد که بعد از سرگردانی اولیه، هویج را انتخاب کرده است تا چماقی در کار نباشد.

لافزنی‌های خامنه‌ای درباره مذاکره با آمریکا را کسی فراموش نکرده است. او همان است که گفت: جنگ نمی‌شود، مذاکره هم نمی‌کنیم. با هر کس هم مذاکره کنیم با این دولت و این فرد یعنی ترامپ مذاکره نمی‌کنیم. ترامپ تقاص کشتن قاسم سلیمانی را خواهد داد و به زیالهدان تاریخ خواهد پیوست. مذاکره با آمریکا ممنوع است!

ترامپ به جای زیالهدان تاریخ، به کاخ سفید برگشت و خامنه‌ای بالاخره مجبور شد در مقابل همین ترامپ تسلیم شود. نه تنها مذاکره بلکه "معامله" کند. خامنه‌ای چند روز پیش در روز بعثت خطاب به سران نظامش گفت "بدانیم پشت لبخندهای دیپلماسی، دشمنی و کینه‌های پنهانی و باطنی خبیث نهفته است. چشم‌هایمان را باز کنیم و حواسمان باشد که با چه کسی مواجهیم، معامله می‌کنیم و حرف می‌زنیم." لفاظی درباره "لبخندها و کینه‌ها" را کسی نباید جدی بگیرد که چیزی نیست جز تکرار شیوه شناخته شده خامنه‌ای برای سلب مسئولیت از خود درباره نتایج سیاست‌هایش اگر با شکست مواجه شوند. او طبق روال همیشگی این بار هم روزنه‌ای باز گذاشته است که اگر معامله نگرفت با یک نگاه عاقل اندر سفیه، رئیس‌جمهور و وزیر خارجه‌اش را شماتت کند که قبلاً هشدار داده بود؛ اما رعایت نشده است!

بعد از تسلیم خامنه‌ای، طبق معمول پادوهای وزارت خارجه، در نقش دیورگان مذاکره و معامله با ترامپ، کاسه گدایی در دست دور دنیا چرخیدند. شغل سفیدشویی هم طبق معمول به عهده متخصص "علاج" و صافکار "مقام معظم"، جواد ظریف افتاد که در اجلاس داووس ظاهر شود و بگوید دولت بر زنان فشار نمی‌آورد، حکومت قصد ساختن سلاح هسته‌ای را ندارد و تهدیدی برای امنیت جهان نیست و کمی هم چاپلوسی ترامپ که گویا ترامپ ۲ جدی‌تر و واقع‌بین‌تر خواهد بود. پرچم آمریکا هم بی‌سروصدا از کف حیاط ساختمان ریاست جمهوری برداشته شد و چند روزی است خود پزشک‌های و وزیر خارجه‌اش چپ و راست از "آمدگی برای شنیدن پیشنهادهای ترامپ" سخن می‌گویند؛ اما همچنان نگران هستند که چرا "هنوز پیامی از ترامپ دریافت نکرده‌اند!"

همین صحنه نشان می‌دهد که گنده‌گوها و رجزخوان‌های بی‌همتا علیه "شیطان بزرگ" آن‌چنان وضعیت رقت باری دارند که گوش تیز کرده‌اند که ان‌شاءالله پیامی از طرف قاتل سلیمانی خواهند شنید و به جای وعده صادق ۳، شرایط برای "نرمش قهرمانانه" ۲ فراهم خواهد شد. نرمشی که از قرار معلوم این بار باید خیلی "قهرمانانه" باشد!

خامنه‌ای چرا به تسلیم تن داده است؟

پاسخ روشن است. چون راهی ندارد. چون در همه قلمروهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، سیاست خارجی و ادعاهای منطقه‌ای و جهانی شکست‌خورده است و مهم‌تر از همه، شبی بالای سرش چرخ می‌زند. شبی بازگشت انقلاب باشکوه زن زندگی آزادی.

اول: بحران حکومتی در داخل

مقابل چشمان حیرت‌زده و وحشت‌زده خامنه‌ای، ستون‌های موربانه‌خورده نظام اسلامی در داخل با خیزش‌های پی‌درپی و اوج آن یعنی

آیا "معامله" صورت خواهد گرفت؟

تحقق یک معامله میان جمهوری اسلامی و ترامپ با موانع زیادی روبروست. باتوجه به وضعیت داخلی حکومت و برگ‌های سوخته‌اش در منطقه، دونالد ترامپ معلوم است که به کمتر از تسلیم کامل علی‌خامنه‌ای رضایت نخواهد داد. تسلیم کامل در رابطه با برنامه اتمی، برنامه‌های موشکی و حمایت از باندهای اسلامی و موش‌دوانی در منطقه علیه اسرائیل و آمریکا. این یعنی حکومت اسلامی باید هوس اتمی شدن را کنار بگذارد. این یعنی جمهوری اسلامی باید دست‌وپایش را در منطقه جمع کند و هرگونه بازسازی تتمه محور مقاومتش را هم فراموش کند و بالاخره این یعنی خامنه‌ای یک نماز میت مرگبار درباره ارکان اصلی سیاست منطقه‌ای و جهانی‌اش بخواند. یک نماز میت برای خطوط قرمز خودش.

مانع دیگر شکاف‌های درون نظام است. درست است که بعد از چراغ‌سبز خامنه‌ای لحن رجزخوان‌های حکومت، حتی سخنگوی خامنه‌ای در کیهان علیه آمریکا نرم‌تر شده است، اما باتوجه به ساختار مافیایی حکومت اسلامی این وضعیت تداوم نخواهد داشت. جدا از احمق‌های متوهم مثل رئیس مجلس خبرگان که هنوز خودفروبی می‌کند که "اگر ما با خدا باشیم آمریکا دیگر هیچ غلطی نمی‌تواند بکند"، باندهای قدرتمندی در درون ساختار حکومت اسلامی برای ادامه چپاولشان همین وضعیت فعلی را مساعدتر می‌دانند. یکی از لانه‌های اصلی این باندها خود سپاه پاسداران است که در همین شرایط کنونی به درآمدهای نجومی از طریق تجارت قاچاق دسترسی دارد.

معامله با آمریکا هم حکومت اسلامی را نجات نخواهد داد

در صفحه شطرنج سیاسی میان آمریکا و جمهوری اسلامی، خامنه‌ای در موقعیتی است که در آن هر حرکتی وضعیتش را بدتر و موقعیتش در مقابل مردم را ضربه‌پذیرتر می‌کند. دوراهی مقابل جمهوری اسلامی هر دو بن‌بست است. راه اول همان است که ۴۶ سال است دنبال کرده است. خصومت و رجزخوانی علیه آمریکا و اسرائیل و راهی برای زنده کردن پیکر نیمه‌جان محور مقاومت. این راه مدت‌هاست به بن‌بست رسیده بود و امروز دیگر تماماً ویران شده است. اصلاً یک دلیل تن‌دادن به تسلیم همین است. راه دوم همین مذاکره و معامله است که اگر به فرض ممکن شود، بی‌تردید نخواهد توانست حکومت اسلامی را از بحران حکومتی حاد و سرآشینی سقوط نجات دهد. چرا؟

حتی اگر به فرض خامنه‌ای از خط‌قرمزهایش عبور کند و معامله و سازشی شکل بگیرد، تحریم‌ها رفع شوند، سرمایه‌گذاران کشورها برای حضور در بازار ایران صف بکشند و اقتصاد در گل فرونشسته حکومت

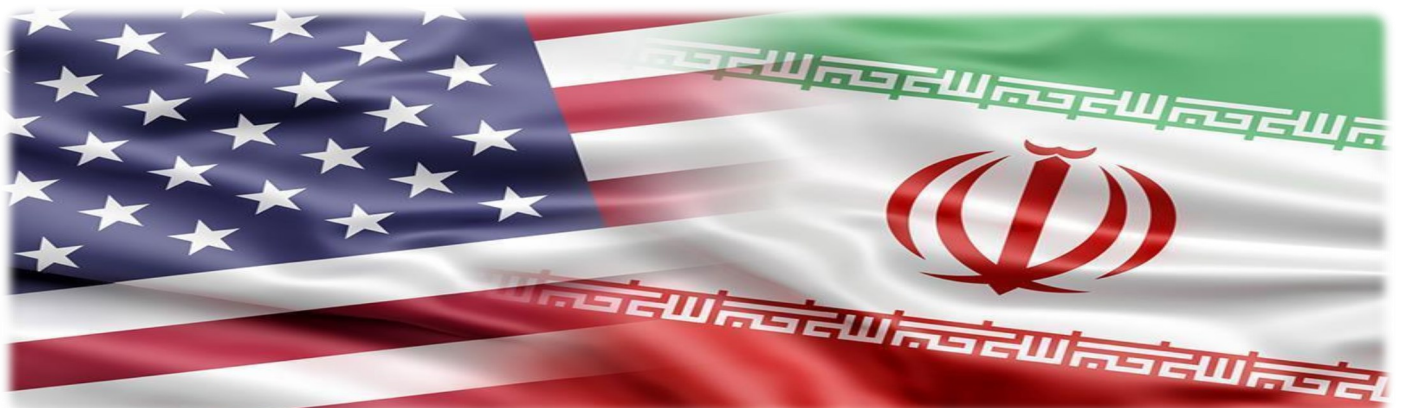
کمی جان بگیرد، کرورکرور نفت از کانال‌های رسمی بفروشند و میلیاردها دلار به صندوق نظام سرزیر شود. بعد چه؟ آیا فشار اقتصادی بر دوش مردم کاهش پیدا می‌کند؟ و اعتراضات و خیزش‌هایی که منشأ اقتصادی دارند کاهش پیدا می‌کند؟

بگذریم از این که سناریوی بالا به دلیل موانعی که بالاتر ذکر کردیم محتمل نیست. اما به فرض محال، هر معامله‌ای هم صورت بگیرد، مهم این است که اولاً تا زمانی که حکومت اسلامی سرکار است، شکاف طبقاتی دهشتناک، فقر و محرومیت اقتصادی همچنان ادامه خواهد داشت. در نظام تا مغز استخوان فاسد، در یک اقتصاد سرمایه‌داری آن‌هم نوع مافیایی، اولاً ثروت‌ها و درآمدها همچنان بین باندهای مختلف تقسیم خواهد شد. ثانیاً، تا حکومت اسلامی هست، مبارزه هست، خیزش‌های تکان‌دهنده در راه است و بودجه‌های کلان برای نگه‌داشتن و پرور کردن سپاه و بسیج و زندان و گله‌های سرکوب حیاتی است. بالاخره تأمین بودجه‌های نجومی برای حفظ حوزه‌ها و حسینیه‌ها و نماز جماعت‌ها و هزاران مرکز و نهاد تولید و اشاعه خرافه هم پول می‌خواهد. چه بدون معامله با آمریکا و چه با معامله با آمریکا حکومت اسلامی صد برابر الان هم درآمد داشته باشد روانه کیسه‌های گشاد چپاولگران، صندوق‌های بزرگ تأمین دستگاه سرکوب و اشاعه خرافه خواهد شد. در یک جمله در خدمت میلیاردهای حاکم، طبقه سرمایه‌دار و علیه طبقه کارگر و شهروندان به‌پاخاسته.

وضعیت اقتصادی و اعتراض طبقه کارگر و اقشار محروم فقط یکی از خطرات جدی برای بقای حکومت اسلامی است. اما بحران حکومتی جمهوری اسلامی ابعاد گسترده‌تری دارد. تا زمانی که حکومت اسلامی تماماً نابود نشده است؛ تعرض اسلامی به زندگی زنان و زندگی عمومی مردم در مدرسه و دانشگاه و محیط کار، شکاف و خصومت نسلی و فرهنگی همچنان در جریان خواهد بود و به این اعتبار جنگ میان دو جبهه، جبهه تبحر اسلامی حکومت به سرکردگی فسیل‌هایی که در شورای نگهبان و انواع لانه‌های متعفن حکومت می‌لولند از یکطرف و جبهه نیکابا و ساریناها و صدها هزار جوان هم ادامه خواهد داشت که مصمم‌اند زندان اسلام و ارتجاع اسلامی را در هم بشکنند و برای همیشه رها شوند.

و بالاخره، جمهوری اسلامی پرونده سنگینی از جنایت علیه بشریت زیر بغل دارد. نبردی بزرگ برای دادخواهی علیه این حکومت در جریان است. نبردی که تا محاکمه آمرین و عاملین این جنایت ادامه خواهد داشت. نبردی که در پیشاپیش آن، جنبش دادخواهی خطاب به خامنه‌ای و شرکای قاتلش اعلام کرده است "میان ما و شما دریایی خون فاصله است، ما که حالا نزدیک یک سالی می‌شود که ما شده‌ایم، هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه"

می‌بینیم که بحران و بن‌بست حکومت اسلامی آن‌چنان عمیق و چندلایه است، خواست و جنبش برای به پایین کشیدن این حکومت آن‌چنان در جامعه ریشه دوانده است که هیچ راهی حتی آویزان شدن به کراوات‌های رنگارنگ دونالد ترامپ هم چاره‌ساز نخواهد بود.*



برنی سندرز و مسئله الیگارشلی مالی

گفت‌وگو با حمید تقوایی



انترناسیونال: برنی سندرز سناتور آمریکایی

که خود را سوسیالیست می‌داند اخیراً در یک گفتار ویدئویی در مورد سلطه الیگارشلی مالی آمریکا که با انتخاب ترامپ دولت را در دست گرفته است هشدار داده است. او می‌گوید تعداد معدودی مولتی‌میلیاردر آمریکایی انتخابات را در واقع خریدند و به قدرت رسیدند و دیگر نشانی از دموکراسی به معنی یک نفر یک رأی باقی نمانده است. به نظر او این سلطه الیگارشلی مالی امری جهانی است و مرکزش ایالات متحده است. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: الیگارشلی شکلی از حکومت طبقه سرمایه‌دار است که بخصوص در شرایط حاضر نقد و بررسی آن اهمیت دارد اما باید توجه داشت که روی آوری سرمایه‌داری جهانی به این شکل حکومت، خود ناشی از موقعیت کل نظام و مناسبات سرمایه‌داری معاصر است. به عبارت دیگر الیگارشلی و مشخصاً ترامپیسم خود نتیجه اجتناب‌ناپذیر و ضرورت نظام تولیدی کاپیتالیستی در عصر ما است و نه عارضه آن.

برنی سندرز به درست به شکاف عمیق بین فقر و ثروت در جامعه آمریکا و در کل جهان اشاره می‌کند وقتی می‌گوید: "در طول دهه گذشته، ثروتمندترین ۱ درصد از جمعیت جهانی ۴۲ تریلیون دلار ثروت جدید انباشته کرده‌اند، درحالی‌که ثروت نیمی از جامعه تقریباً تغییری نکرده است. در واقع، تا امروز، ۱ درصد بالای جامعه بیشتر از ۹۵ درصد از مردم کره زمین ثروت دارند." و این واقعیتی است که اتاق‌های فکر و

اجلاس‌های دلسوز و نگران آینده کاپیتالیسم نظیر کنفرانس داووس نیز سال‌هاست در مورد آن هشدار می‌دهند. اما ریشه مسئله چیست؟ این ۴۲ تریلیون دلار و صاحبان آنها از کجا پیدا شده‌اند؟

در چند دهه اخیر، در نتیجه انقلاب الکترونیک در نیمه قرن گذشته و انقلاب انفورماتیک در اواخر آن، قدرت تولید بشر- با سرعت شگفت‌انگیزی رشد کرده است. در این مدت ظرفیت حافظه و سرعت محاسبات کامپیوتر، که وسیعاً تقریباً در همه رشته‌های تولیدی بکار گرفته می‌شود، هر دو سال و نیم دوبرابر شده است. یعنی در هر ده سال ۱۶ برابر! این تحول، ثروت عظیمی را به وجود آورده که مستقیم یا غیرمستقیم به جیب صاحبان سرمایه سرزیر شده است. این ثروت شگفت‌آور می‌توانست به رفاه بیشتر کارگران و توده مردم همه کشورها منجر شود، می‌توانست به کاهش فاحش ساعات کار و به رفاه بیشتر با کار کمتر بینجامد اما اگر چنین نشده، مشکل و مانع مناسبات سرمایه‌داری است که حول نه رفاه عمومی بلکه سودآوری سرمایه‌ها بنا شده است. مسئله فقط این نیست که "از سال ۲۰۲۰، پنج میلیارد نفر در سراسر

جهان فقیرتر شده‌اند، درحالی‌که پنج میلیارد ثروتمند جهان ثروت خود را با نرخ ۱۴ میلیون دلار در ساعت بیش از دوبرابر کرده‌اند." بلکه این است که پنج میلیارد نفر محروم، تولیدکننده ثروتی هستند که به جیب ۵ مفت‌خور سرمایه‌دار سرزیر شده است؛ ثروتی که به لطف انقلاب الکترونیک می‌تواند وسایل رفاه همه مردم کره ارض را، حتی با ساعات کار بسیار کمتری از امروز، فراهم کند. مشکل در قدرت تولیدی بشر نیست، بلکه در مناسباتی است که این قدرت شگفت‌انگیز تولیدی را در خدمت کمتر از یک درصد جمعیت دنیا قرار داده است.

شکل الیگارشلی نیز ناشی از همین واقعیت است. الیگارشلی در واقع شکل مطلوب حکومت و سیستم کاپیتالیستی در شرایطی است که قدرت اقتصادی سرمایه چنان رشد کرده است که قادر است مستقیماً و پی‌واسطه شکل قدرت سیاسی به خود بگیرد. مولتی‌میلیاردرهایی نظیر ترامپ و ایلان ماسک خود مستقیماً وارد دولت می‌شوند و قدرت اقتصادی خود را همچون ابزار سلطه سیاسی، اهرم اعمال فشار برای پیشبرد سیاست‌هایی که به قدرت و ثروت باز هم بیشتری برای آنان منجر

شود، بکار می‌گیرند. کلان‌سرمایه‌داران نه تنها انتخابات را می‌خرند، بلکه فاشیستی‌ترین سیاست‌ها را به جامعه تحمیل می‌کنند. از ممنوعیت سقط‌جنین گرفته تا انکار موجودیت رنگین‌کمانی‌ها و از اخراج توده‌ای مهاجرین تا انکار گلوبال وارمینگ و غیره.

به نظر من این سیاست‌ها را جامعه نخواهد پذیرفت. دوره ترامپ دوره اوج‌گیری جنبش‌های اعتراضی در عرصه‌های مختلف خواهد

بود. برنی سندرز در انتهای سخنانش از مقابله با این وضعیت با اقداماتی نظیر بررسی عملکرد الیگارشلی جهانی، نقش آنها در دولت ترامپ، افشای پنهانگاه‌های مالیاتی کلان‌ثروتمندان، و نظایر آن صحبت می‌کند. اینها اقدامات مفیدی است که شاید برای یک نماینده سنا کافی باشد اما نیروی واقعی مقابله با این وضعیت نه کنگره و سنا بلکه جنبش‌های اعتراضی هستند که از هم اکنون طلایه‌های آزادی‌خواه آمریکا مشاهده می‌کنیم.

انترناسیونال: تأثیر انتخاب مجدد ترامپ بر شرایط سیاسی ایران چیست؟ خیلی‌ها معتقدند ترامپ فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی را تشدید خواهد کرد و رژیم ناگزیر است به مذاکره با او و شرایط او تن بدهد. و در نتیجه به موقعیتی ضعیف‌تر از آنچه هست رانده خواهد شد. آیا از نظر شما این ارزیابی درستی است؟

حمید تقوایی: به نظر من رژیم به وضعیتی دچار شده که مستقل از سیاست‌ها و عملکرد ترامپ ناگزیر است نه تنها به مذاکره بلکه به عقب‌نشینی از مواضع منطقه‌ای و جهانی خود رضایت بدهد. بحران و درماندگی



تریلیون دلار ثروت جدید انباشته کرده‌اند، درحالی که ثروت نیمی از جامعه تقریباً تغییری نکرده است. در واقع، تا امروز، ۱ درصد بالای جامعه بیشتر از ۹۵ درصد از مردم کره زمین ثروت دارند. به طور حیرت‌انگیز، ثروتمندترین افراد جهان تا ۳۲ تریلیون دلار را در پناهگاه‌های مالیاتی در خارج از کشور، مانند جزایر کیمن، مخفی می‌کنند تا از پرداخت سهم عادلانه مالیات به دولت‌های سراسر جهان اجتناب کنند. به عبارت دیگر، دولت‌ها کمبود بودجه دارند و این افراد تریلیون‌ها دلار را در پناهگاه‌های مالیاتی مخفی می‌کنند. در همین حال، فوق ثروتمندان پول خرج می‌کنند تا از ثروت باورنکردنی خود محافظت کنند. آن‌ها این کار را با خرید نفوذ و به طور فزاینده‌ای با خرید انتخابات ما انجام می‌دهند. میلیاردرهای ایالات متحده ۰٫۰۰۰۵ درصد از جمعیت هستند. این تعداد زیادی نیست، اما آن‌ها ۱۸ درصد از هزینه‌های انتخاباتی سال ۲۰۲۴ را تأمین کرده‌اند. تعداد بسیار کمی از افراد پول زیادی خرج می‌کنند تا انتخابات را بخرند. تنها ۱۵۰ خانواده میلیاردر نزدیک به ۲ میلیارد دلار برای خرید انتخابات اخیر ما هزینه کردند. تنها ایلان ماسک دست کم ۲۷۷ میلیون دلار برای حمایت از دونالد ترامپ هزینه کرده است. چطور است؟ یک نفر. ۲۷۷ میلیون دلار! و ما نتیجه آن سرمایه‌گذاری را دیدیم که برای او خیلی خوب کار کرد. شرکت‌های بزرگ دفاعی بیش از ۳۸ میلیون دلار در این دور انتخاباتی هزینه کردند و می‌دانید چه؟ آن‌ها بودجه نظامی یک تریلیون دلار با مقادیر زیادی حیفومیل و تقلب خواهند داشت. و ایپک، یک سوپر پک تأمین شده توسط میلیاردرها، بیش از ۱۰۰ میلیون دلار هزینه کرد برای شکست دادن اعضای از کنگره که منتقد دولت راست‌گرای افراطی نتانیاهو در اسرائیل و جنگ وحشتناکی که در غزه به راه انداخته، بودند. دوستان، لازم نیست یک دکترای علوم سیاسی داشته باشید تا بفهمید این دموکراسی نیست. این «یک نفر، یک رأی» نیست. این ما همه نیستیم که دور هم جمع می‌شویم تا درباره آینده‌مان تصمیم بگیریم. این الیگارشلی است. به نظر من، این مسئله الیگارشلی مهم‌ترین مسئله‌ای است که کشور ما و جهان با آن مواجه هستند، زیرا بر همه چیز تأثیر می‌گذارد. بر تغییرات اقلیمی، مراقبت‌های بهداشتی، استاندارد زندگی کارگران، و اینکه آیا می‌توانیم فقر را از بین ببریم، تأثیر می‌گذارد.

آنچه ما اکنون انجام خواهیم داد این است که طی ماه‌های آینده برنامه‌های متعددی برای بررسی نحوه عملکرد الیگارشلی جهانی، و قدرت کلان ثروتمندان بر اقتصاد و زندگی سیاسی‌مان اجرا خواهیم کرد. ما درباره پناهگاه‌های مالیاتی که آنها استفاده می‌کنند تا از پرداخت سهم عادلانه مالیات فرار کنند صحبت خواهیم کرد. و درباره نقشی که الیگارشلی در دولت آینده ترامپ بازی خواهند کرد، صحبت خواهیم کرد. ما برخی از باهوش‌ترین افراد این کشور و جهان را که درباره این موضوع آگاهی دارند، معرفی خواهیم کرد. این مسائل مهمی است و امیدوارم که همراه ما باشید. مراقب خودتان باشید. خداحافظ.*

همه‌جانبه‌ای که گریبان حکومت را گرفته ناشی از سیاست خارجی او و رابطه‌اش با آمریکا و دول غربی نیست، بلکه در رابطه رژیم با جامعه، جنگ بی‌امانی که به‌ویژه در دو سال و نیم اخیر بین توده مردم متنفر و خشمگین از جمهوری اسلامی با حکومتی که از هیچ جنایت و کشتاری علیه مردم فروگذار نکرده است شکل گرفته، ریشه دارد. در تحلیل نهایی این درماندگی حکومت در مقابله با توده مردم ایران است که او را به‌سوی میز مذاکره هل می‌دهد. رژیمی که نه راه‌حلی برای بن‌بست و فلج کامل اقتصادی دارد و نه برای موقعیت اذیت‌سفته منطقه‌ای‌اش، رژیمی که نه می‌تواند حجاب و دیگر مقدسات و "هنجارهای" اسلامی خود را به جامعه تحمیل کند و نه می‌تواند با اعدام و سرکوب از اعتراض رو به گسترش حتی زندانیان جلوگیری کند، راه نجاتی برای خود نمی‌یابد به‌جز عقب‌نشینی در برابر غرب. مذاکره با غرب برای جمهوری اسلامی به معنی عقب‌نشینی از سیاست‌های غرب‌ستیزانه است و از این رو مذاکرات هر نتیجه‌ای داشته باشد رژیم را بیشتر در باتلاقی که گرفتار شده فرو خواهد برد. ما همیشه تأکید کرده‌ایم که ضدآمریکایی‌گری و غرب‌ستیزی حکومت یک امر هویتی و استراتژیک جمهوری اسلامی است و هر درجه فاصله‌گرفتن از این سیاست موقعیت حکومت در خود ایران را متزلزل‌تر و ناپایدارتر خواهد کرد. به نظر من نفس مذاکره رژیم با "شیطان بزرگ"، آن‌هم با رئیس‌جمهوری که خونش را حلال اعلام کرده بودند، معنایی جز شکست و تسلیم حکومت ندارد. این مذاکرات به هر شکل انجام بشود و هر نتیجه‌ای داشته باشد حکومت را در موقعیتی به‌مراتب ضعیف‌تر و درمانده‌تر از قبل در مقابل جنبش انقلابی مردم قرار خواهد داد.

۱۰ بهمن ۱۴۰۳، ۲۹ ژانویه ۲۰۲۵

ضمیمه:

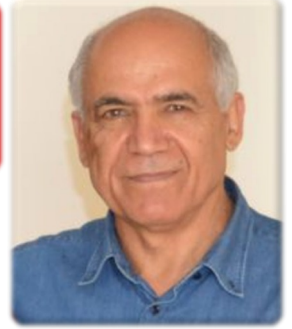
متن کتبی گفتار ویدئویی برنی سندرز

می‌دانید، به‌نوعی مضحک است. وقتی سیاست‌مداران و رسانه‌ها درباره روسیه و ولادیمیر پوتین صحبت می‌کنند، اغلب از کلمه «الیگارشلی» استفاده می‌کنند. آن‌ها از این صحبت می‌کنند که چگونه الیگارشلی‌های روسیه تحت حکومت پوتین قدرت عظیمی یافته‌اند. اما به طرز عجیبی، کلمه الیگارشلی به‌ندرت برای توصیف آنچه در ایالات متحده یا در واقع در سراسر جهان رخ می‌دهد، استفاده می‌شود. اما می‌دانید؟ الیگارشلی یک پدیده جهانی است و مقر آن دقیقاً همین‌جا در ایالات متحده است. ما زیاد درباره آن صحبت نمی‌کنیم، اما این واقعیت است: تعداد کمی از میلیاردرهای فوق‌العاده ثروتمند مالک و کنترل‌کننده بخش بزرگی از اقتصاد جهانی هستند. تمام. ختم بحث. و به طور فزاینده‌ای، آن‌ها از طریق یک سیستم فاسد کمپین‌های مالی، دولت ما را نیز در اختیار دارند. از سال ۲۰۲۰، پنج میلیارد نفر در سراسر جهان فقیرتر شده‌اند، درحالی که پنج میلیارد ثروتمند جهان ثروت خود را با نرخ ۱۴ میلیون دلار در ساعت بیش از دوبرابر کرده‌اند. و به این توجه کنید: ایلان ماسک، ثروتمندترین مرد جهان، تنها از زمان روز انتخابات، ۱۲۰ میلیارد دلار به ثروتش اضافه کرده است. متوجه شدید؟ ۱۲۰ میلیارد دلار از زمان روز انتخابات. جف بزوس، نفر دوم، فقط در ماه گذشته ۶۷ میلیارد دلار ثروتمندتر شده است. و مارک زاکربرگ، تنها در سال جاری ۹۰ میلیارد دلار به ثروتش افزوده است. به عبارت دیگر، کسانی که در صدر هستند و فی‌الحال ثروت افسانه‌ای دارند، به شکل حیرت‌آوری ثروتمندتر می‌شوند.

در طول دهه گذشته، ثروتمندترین ۱ درصد از جمعیت جهانی ۴۲

زنده باد
انقلاب
زن، زندگی، آزادی

پشت تراژدی نیان چه کسانی هستند؟



اصغر کریمی

مرگ نیان چلبیانی و جنایاتی که در حق این دختر شش ساله در بوکان شده قلب همه مردمی که از آن مطلع شدند را به درد آورد. این فاجعه با اعتراض وسیع مردم بوکان مواجه شده است. بر اساس گزارشات مختلفی که تاکنون منتشر شده پدر این کودک متهم ردیف اول پرونده است که همراه با زنی که با او ارتباط داشته و برادر آن زن که به نیان تجاوز می کرده دستگیر شده‌اند. گزارشات حاکی از این است که پدر نیان از آزار جنسی چندین ماهه دخترش به دست برادر ۹ ساله زنی که با او در ارتباط بود، اطلاع داشته و آثار کبودی و سوختگی را بر بدن دخترش می دیده؛ ولی به آن واکنش نشان نداده است. طبق گزارشات مختلف، حکومت مادر نیان را از سرپرستی او محروم کرده و بعد از سال ها دوندگی و شکایت قرار بوده مادر نیان هفته‌ای یکبار دخترش را ببیند؛ اما پدر نیان زیر بار نمی رود و علی‌رغم شکایت مادر، نیروی انتظامی اقدامی نمی کند. مادر نیان پس از دوندگی فراوان، موفق می شود از دادگاه حکم جلب پدر نیان را بگیرد، نیروی انتظامی به مادر نیان می گوید که «شما دخترت را اول پیدا کن، بعد ما می آییم حکم جلب پدرش را اجرا می کنیم. ما که نمی توانیم دخترت را پیدا کنیم.» فرمانده همین نیروی انتظامی به دنبال تجاوز و شکنجه و مرگ دلخراش این کودک معصوم خواهان اعدام و سنگسار مرتکبین این فاجعه می شود.

حتی اگر زمینه‌های این تراژدی را فراموش کنیم همین فاکتورها مسبب اصلی آن را توضیح می دهد. در همین چند جمله بی حقوقی مطلق زن و بی حقوقی تمام عیار کودک و دست‌های خونین جمهوری اسلامی به خوبی دیده می شود.

موسی بهاری، همان فرمانده نیروی انتظامی که حاضر به اجرای حکم جلب دادگاه کذایی خودشان هم نشده می خواهد از احساسات به جوش آمده مردم سوءاستفاده کند و خواهان اعدام و سنگسار مرتکبین این جنایت می شود. اینها جنایت از فکر و زبانشان نمی افتد. در مکتب اسلام و حکومت اسلامی این طور بار آمده‌اند. اما جنایت، پاسخ جنایت نیست. با همین جنایات چنین جهنمی به جامعه تحمیل کرده‌اند.

افرادی که به این کودک تجاوز کرده و او را شکنجه کرده‌اند یا در مخفی کردن این جنایات نقش داشته‌اند باید محاکمه و مجازات شوند. در این تردیدی نیست. اما توجه کنیم که عامل اصلی این تراژدی حکومت اسلامی و همه سازندگان و قانون‌نویسان و مجریان قوانین این حکومت‌اند. فرمانده نیروی انتظامی می گوید پدر نیان از ماجراهای رفتار با دخترش خبر نداشته است. با همین اقرار معلوم می شود که پدر نیان صلاحیت نگهداری او را نداشته؛ ولی دستگاه قضایی مادر را از سرپرستی دخترش محروم کرده است، مادری که با سال‌ها تلاش موفق می شود از شوهرش که او را مورد خشونت قرار می داده طلاق بگیرد. «ما که نمی توانیم دخترت را پیدا کنیم خودت برو پیدا کن» همین جمله موقعیت وحشتناک کودکان را نشان می دهد. یعنی می توان کودکی را دزدید، مخفی کرد، از انظار دور نگهداشت و ارگان‌های حکومت خود را بی مسئولیت کنند. قوه قضائیه حکم جلب را صادر می کند حکمی که با پافشاری مادر صادر شده است و خود قوه قضائیه دنبال حکم را نمی گیرد این مادر است که باید حکم جلب را بگیرد و دنبال ارگانی بگردد که آن را اجرایی کند!

هر گوشه این پرونده را کندوکاو کنید به جمهوری اسلامی، به قوه قضائیه‌اش، به نیروی انتظامی‌اش، به قوانینش به‌عنوان مسبب اصلی جنایاتی می رسید که در حق این کودک شده است.

اما این جنبه حقوقی و سطح مسئله است. نیان قربانی حکومتی است که زنان را برده جنسی مرد محسوب می کند و آنها را از هر حقی محروم می کند. تجاوز به کودکان ۹ ساله را ازدواج شرعی می داند، در قوانینش کوچک‌ترین حقی برای کودک به رسمیت نمی شناسد، کودک را در حجاب اجباری می پیچد و برایش جشن تکلیف وضع می کند. فعالین حقوق کودک را تحت پیگرد قرار می دهد، کودک‌همسری را تشویق کرده و رواج می دهد و تشکل‌های مدافع کودکان را ممنوع می کند و با اعدام و سنگسار و شلاق و شکنجه و تجاوز و هر جنایت دیگری که تصور کنید، و با تبلیغات رسانه‌ها و گله آخوند و مقامات مرتجعی که بویی از انسانیت نبرده‌اند و ۴۵ سال است مزخرفات اسلامی ضد زن و ضد کودک را به جامعه تزریق می کنند، از انسان‌ها هیولا می سازد. نیان قربانی چنین سیستمی است و قاتلان‌ش در بیت رهبری و مجلس و دولت و قوه قضائیه و سپاه و نیروی انتظامی و «حوزه علمیه» و صداوسیما ننگین حکومت نشسته‌اند. مسئولان جمهوری اسلامی می گویند قاتلان اصلی دستگیر نشده‌اند و برای قتل نیان‌های دیگر مشغول قانون‌گذاری و زمینه‌سازی هستند.

رومینا اشرفی و جنایت پدرش را همه به یاد دارند. رومینای ۴ ساله همراه دوست‌پسرش از خانه فرار می کند، پس از آنکه پلیس او را دستگیر می کند تحویل خانواده‌اش می دهد و پدرش سر او را می برد. رومینا پس از دستگیری از ترس جان‌ش نمی‌خواست به خانه بازگردد؛ اما پلیس او را تحویل پدرش داده بود. برای هر بنی بشری روشن بود که رومینا در خانه امنیت ندارد. رومینا را علی‌رغم ترس و وحشتش به پدرش تحویل دادند و پدرش کار خود را کرد. فاجعه به همین دو مورد محدود نمی شود هر روز و هر ساعت کودکان دارند قربانی می شوند، خرید و فروش می شوند، ربوده می شوند، مورد تجاوز و هزار سوءاستفاده قرار می گیرند و هزار بلا به سرشان می آید. رسانه‌های خود حکومت بارها از اذیت و آزار کودکان، کودکانی که بعضاً حتی دارای معلولیت هستند، در مراکز نگهداری تحت پوشش بهزیستی کشور گزارش داده‌اند. در مدرسه آموزش روابط جنسی را ممنوع کرده‌اند تا کودکان چشم و گوش بسته بار بیابند و خطرات اطراف خود را نبینند و بجایش آخوند فرستاده‌اند تا کودکان را مغزشویی کند. میلیون‌ها کودک به دلیل فقر و هزینه‌های آموزشی از تحصیل محروم می شوند و در معرض انواع تحقیر و توهین و بی‌حرمتی و تجاوز قرار می گیرند. اینها نمونه‌هایی از فجایع عظیم و هر روزهای است که جمهوری اسلامی در حق کودکان اعمال می کند.

طرح اعدام و سنگسار

اما اینکه فرمانده انتظامی حکومت در بوکان از اعدام و سنگسار صحبت می کند یک دلیل سیاسی مهم هم دارد. یک هفته قبل از علنی شدن تراژدی نیان حکومت و همین فرماندهان تلاش کردند جلو اعتصاب مردم بوکان و کردستان علیه اعدام را بگیرند. تقلازی زیادی کردند، به مغازه‌داران پیامک فرستادند و عده‌ای از فعالین را احضار و تهدید کردند، اما نتوانستند جلو اعتصاب را بگیرند و شکست خوردند. حالا می خواهند از احساسات مردم و

خطاب به فعالین بوکان و سایر شهرها

اکنون جبهه تازه‌ای از مبارزه در مقابل طیف پیشرو و فعالین بوکان و سایر شهرها قرار گرفته است. این جبهه وسیع است. باید قاطعانه هم علیه اعدام بایستد، هم این تحریکات را خنثی کند و هم با فرهنگ عقب‌مانده در میان طیفی از مردم مقابله کند. این یک جبهه مهم مبارزه، سیاسی و فرهنگی است. باید موجی از گفتمان علیه اعدام و گفتمان در مورد ریشه‌ها و زمینه‌های این جنایت به راه انداخت. از معلمان تا فعالین کارگری، از فعالین حقوق زن تا دانشجویان و هنرمندان و ورزشکاران و نویسندگان پیشرو و انسان‌دوست می‌توانند در چنین فضایی این فرهنگ عقب‌مانده را عقب بزنند و با این کار هم فرهنگ جامعه را رشد بدهند، هم قوانین ضد کودک و ضد زن حکومت را بیشتر رسوا کنند و با این کار ضربه دیگری به بنیادهای ایدئولوژیک و سیاسی حکومت بزنند. باید نهادی را مخصوصاً توسط فعالین بوکان به یاد نیان ایجاد کرد و مردم هر چه بیشتری را به آن جذب کرد تا به یک نهاد قدرتمند تبدیل شود که بتواند نیان‌های دیگری که همین‌الان در بوکان و در سراسر کشور تحت انواع اذیت و آزار و سوءاستفاده‌های مختلف قرار دارند را نجات دهد. هر اندازه در این جبهه پیشروی کنیم زمینه برای پیشروی‌های بیشتر را نیز ایجاد کرده‌ایم. هر اتفاقی از این دست را باید به موضوعی برای متحد و متشکل کردن تبدیل کنیم، نهادهایی ایجاد کنیم و کارزارهایی سازمان دهیم.*

پشت تراژدی نیان چه کسانی هستند؟

از صفحه ۶

خانواده نیان سوءاستفاده کنند تا با طرح اعدام به خیال خودشان موفقیت مردم را خنثی کنند.

می‌گویند مردم بوکان برای این فرمانده که از اعدام و سنگسار صحبت کرد دست زده‌اند. بله تعداد کمی دست زدند. مردم یکدست نیستند. قشر کوچکی از جامعه فرهنگ عقب‌مانده و مردسالار دارد و از اعدام هم ممکن است دفاع کند. این فرهنگی است که در پاراگراف‌های قبل توضیح دادم که چگونه جمهوری اسلامی به جامعه پمپاژ کرده و بخشی از مردم را با همین فرهنگ بار آورده است. اما این تصویر حاکم بر بوکان و هیچ شهر کردستان نیست. مردم بوکان بارها علیه اعدام اعتصاب کرده‌اند، بیانیه داده‌اند و از خانواده‌های دادخواه تا فعالین حقوق زن، کارگران، معلمان و بسیاری از ورزشکاران، هنرمندان، دانشجویان و غیره سال‌ها است دارند با اعدام مبارزه می‌کنند و فرهنگ پیشرویی دارند. علاوه بر قشر عقب‌مانده جامعه، عوامل حکومت نیز دارند این وسط موش می‌دوانند و همان قشر عقب‌مانده را تحریک می‌کنند که خواهان اعدام و سنگسار شوند. علی‌رغم همه این تلاش‌ها نیروی قابل ملاحظه‌ای نتوانستند جلب کنند.

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش از پیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است.

گسترده از قبل پیا می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

پدیده جان سخت مردسالاری و جامعه ایران گفت‌وگو با کیوان جاوید



انترناسیونال: تعریف شما از پدیده مردسالاری چیست؟

کیوان جاوید: مردسالاری فقط کتک‌زدن زن، شکنجه جسمی و روحی زنان و کم‌اهمیت کردن شخصیت و منزلت زنان توسط مردان نیست. اینها که ذکر شد تنها بخشی از آن چیزی است که در مردسالاری مستتر است. مردسالاری تاریخی عمیق‌تر، طولانی‌تر و ریشه‌دارتر دارد که به مالکیت و جامعه طبقاتی بر می‌گردد. از آن وقت که قرار شد ثروت مرد در خانواده بماند و به غیر نرسد، باید معلوم می‌شد فرزندان به دنیا آمده توسط زن خانه، متعلق به همان مردی است که با او زیر یک سقف زندگی می‌کرد. داستان زندگی زن و مرد پیش از جوامع طبقاتی، در عصر زندگی اشتراکی اولیه، کاملاً متفاوت و درس‌آموز و شنیدنی است که امیدوارم در فرصت دیگر بتوانیم این سیر و تغییر تدریجی و پیوسته زندگی زنان را بررسی کنیم. مردسالاری یعنی اینکه زن ابزار تولیدمثل برای مردان است و تا جایی از ابزار تولید مراقبت می‌شود که قابل بهره‌برداری باشد. زن برای جامعه مردسالار "ابزار" نظافت خانه، آشپزی کردن و نگهداری از فرزندان مرد خانه است. دکمه خاموش و روشن شدن این ابزار که در فرهنگ مردسالار، زن خانه نامیده می‌شود باید در دست مرد باشد. این ابزار مستقل نیست، برای زندگی شخصی خودش تصمیم نمی‌گیرد، حق انتخاب ندارد، نمی‌تواند بر خلاف میل خودش با مرد دیگری غیر از مرد رسمی و قانونی‌ای که به پایش امضا زده است رابطه جنسی و عاطفی برقرار کند. حرکت مستقل زن باعث آبروریزی مرد مردسالار می‌شود.

زن در جوامع مردسالار و در فرهنگ مردسالاری نمی‌تواند فرد متفکری باشد. حتی در پیشرفته‌ترین کشورهایی که با انقلاب صنعتی نظام پیشین فئودالی را در هم کوبیدند و طبقه کارگر صنعتی پا به عرصه تولیدی گذاشت، در همین دوران به‌عنوان مثال در کشور انگلیس، زن حق انتشار کتاب به نام خودش را نداشت. حق رأی زنان در سوئیس به سال ۱۹۷۲ بر می‌گردد و زنان در آلمان صنعتی در سال ۱۹۷۰ تنها حق داشتند با اجازه شوهرانشان شغل داشته باشند. مبارزات متشکل و اجتماعی زنان در انگلیس در اوایل قرن بیستم تحت نام "سافروجت" (Suffragette) تنها یکی از آن لحظات پر هیجانی است که زنان برای استقلال شخصی و حق رأی مبارزه کردند. زنان بریتانیایی بالای ۳۰ سال در سال ۱۹۱۸ برای اولین بار به حق رأی رسیدند و در سال ۱۹۲۸ این حق شامل حال همه زنان بالای ۲۱ سال شد.

پیروزی انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ یکی دیگر از آن لحظات پر شکوه تاریخی است که طی آن برابری کامل بین زن و مرد اعلام شد و زنان از حق رأی برخوردار شدند اتفاقی که در تاریخ مبارزات زنان کم‌نظیر و در نوع خود بی‌همتا است. اعلام روز جهانی زن توسط کلارا زتکین سوسیالیست در سال ۱۹۱۰ بعد جهانی به مبارزه زنان برای آزادی داد. جا دارد که تاریخ مبارزه زنان مبارز و نقش احزاب سوسیالیست در اروپا، مستقلاً بازگو شود. خلاصه کلام! مردسالاری یعنی یک مرد که زن جزو املاک او قلمداد می‌شود. به قول همه مذاهب زن موجودی است که از دنده چپ مرد توسط خدا به وجود آمده است. تصور کنید این زن در این فرهنگ مذهبی و مردسالار چه موقعیتی می‌تواند داشته باشد.

انترناسیونال: اما همه دنیا به این سیاهی که شما می‌گوئید نیست. زنان در کشورهای زیادی حق رأی دارند، سرکار می‌روند، حق طلاق دارند، کتاب می‌نویسند، دانشمندان و نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور می‌شوند و

وسیعاً به دانشگاه می‌روند و... آیا این در تناقض با صحبت‌های شما نیست؟

کیوان جاوید: بله همه اینها را که گفتید واقعی است. کسی منکر نقش زنان در جهان امروز نیست و تازه می‌شود به این لیست شما افزود. اما همه اینها جاده صاف و همواری نبود و نیست که زنان در آن پیش رفته باشند. در هر قدم از پیروزی که به نفع زندگی اجتماعی و فردی زنان مشاهده می‌شود یک دنیا مبارزه فردی و متشکل قابل مشاهده است که با مقاومت سیستم حاکم روبرو شده است. هنوز در همین جوامع موجود دستمزد برابر در برابر کار برابر زن و مرد به رسمیت شناخته نشده است. شما اگر در یک هواپیما نشسته باشید و اعلام شود خلبان یک زن است هنوز دلهره‌آور یا جالب توجه است. هنوز در آمریکای امروز بخش قابل توجهی از جامعه پذیرش این را ندارد که یک زن رئیس‌جمهور باشد. اگر هم روزی این اتفاق بیفتد یقین داشته باشید که یک نیاز عمیق اجتماعی و یک خواست و مبارزه عمیق‌تر باعث عقب راندن طبقه حاکم شده است. به همین ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نگاه کنیم. وجود اجتماعی زنان به این دلیل نیست که جمهوری اسلامی برای زنان و هویت مستقل زنان کمترین ارزشی قائل است. این مبارزه تا پای جان زنان است که توانسته است حضور فردی و اجتماعی خودش را به رژیم تحمیل کند. در ایران بیشتر از نیمی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها زن هستند، اما بازار کار در انحصار مردان است و شغل رسمی زنان که در قانون جاری است خانه‌داری و بچه‌داری و تلاش برای برآورده کردن نیازهای عاطفی و جنسی مردان است. باین وجود این زنان در ایران کاری کردند که خبر یک انقلاب به نام "انقلاب زنانه" و انقلاب زن زندگی آزادی به دنیا مخابره شده است. این طور بگویم: لغو برده‌داری به این معنا نبود که برده‌داران به برابری انسانی رسیده بودند. نیاز و ضرورت جامعه به جلوتر رفتن و مبارزه بی‌امان برای لغو برده‌داری در مقابل تلاش برای حفظ برده‌داری نشان می‌دهد بشر برای رهایی چه تلاش‌هایی کرده است.

انترناسیونال: آیا فرقی بین مذهب‌زدگی در جامعه و مردسالاری وجود دارد؟

کیوان جاوید: این دو پدیده هم‌زاد هم هستند. با اولین قدم‌ها برای حفظ مالکیت، مذهب نیز در خدمت طبقات دارا قرار گرفت تا از ازلی و ابدی بودن قدرت برده‌داران و فئودال‌ها و سرمایه‌داران پاسداری کند. همانطور که در ابتدا نیز اشاره شد ثروت و دارایی مرد خانواده از پدر به فرزندان مشروع و قانونی‌اش می‌رسد و به این دلیل چند هزار پیامبر و فرستاده ویژه خدا باید بر این امر تأکید می‌کردند که مرد ولی نعمت و زن کنیز مرد است. این دو پدیده مردسالاری و مذهب در خدمت هم برای درهم کوبیدن مقاومت و مبارزه فردی و جمعی زنان شدیداً به هم نیاز دارند. این دو پدیده باید زنان را خرد و حقیر و بی‌قدرت جلو دهند تا به خود و آزادی و هویت مستقل خود بی‌باور شوند. مذهب و مردسالاری روبنایی برای حفظ زیربنای اقتصاد حاکم در همه تاریخ تا کنونی انسان بوده است و هرگز تماماً از بین نمی‌رود مگر اینکه جامعه تماماً به پایان بردگی مزدی و لغو مالکیت خصوصی برسد. هر درجه پیشرفت برای موقعیت بهتر اجتماعی زنان به مبارزه متشکل و متحد زنان و مردان برای تغییر قوانین و سنت‌های متعلق به مذهب و مردسالاری ربط مستقیم دارد.

انترناسیونال: به ایران برگردیم. آیا جامعه ایران مردسالار است؟

کیوان جاوید: بگذارید پیش از جواب آری یا نه اول توضیحاتی بدهم. شما کنار یک رودخانه را تصور کنید که پُر از آشغال است. پلاستیک و غذاهای نیم‌خورده و... باقی قضاها. چهره زشتی از این طبیعت که می‌توانست زیبا باشد را شاهد خواهیم بود. برداشت اول از دیدن این ناهنجاری و زشتی این است که مردم فرهنگ لازم را ندارند که آشغال را در ظرف زباله بریزند. اولین سؤال این است آیا مقامات مسئول به اندازه کافی ظرف زباله در محل گذاشتند که فرد آشغال را در آن بریزد؟ سؤال بعدی این است که همین مسئولین حاکم برای جمع‌آوری علمی و مدرن و ازین‌بردن آشغال‌های تولیدی، فکری کرده‌اند و منابع کافی اختصاص داده‌اند؟ آیا به شهروندان از سنین کودکی آموزش فرهنگی لازم داده‌اند؟ مثال‌ها زیاد است. همین مثال را در رابطه با مردسالاری هم می‌تواند زد، بنابراین با مشاهده هر جلوه‌ای از مردسالاری در هر جامعه‌ای و از جمله در ایران انگشت اتهام به‌سوی سیستم حاکم و حکومت نشانه می‌رود. این در حالی است که حاکمیت نه فقط قصد پایان‌دادن به مردسالاری را ندارد که بازتولیدکننده قانونی و فرهنگی این آشغالی است که به‌وفور کنار رودخانه زندگی اجتماعی قابل مشاهده است. وقتی حتی برای کودک به دنیا نیامده نیز لالایی مردسالاری، عقب‌ماندگی فرهنگی و مذهب زدگی تولید و عرضه می‌شود، طبیعتاً بخش قابل‌ملاحظه‌ای از جامعه با این ویروس ضد زندگی پا به دنیا می‌گذارد و جامعه برای دورشدن از این ویروس باید دست به نبردی نابرابر در مقابل سیستم حاکم بزند.

به‌عنوان نمونه آمار تعرض فیزیکی به زنان در مراکز اورژانس پزشکی در ایران واقعاً وحشتناک است و این آمار ثبت‌شده تعرض فیزیکی به زنان بسیار کمتر از آن است که واقعاً اتفاق می‌افتد. به این دلیل که کتک‌زدن زن در خانه توسط مرد باید با دو شاهد ثابت شود که چنین امکانی عموماً وجود ندارد تا زن در خلوت خانه خود شاهده داشته باشد. اگر مرد ادعا کند که زن با حرکات و رفتار و عملش غیرت مرد را جریحه‌دار کرده است طبعاً مدعی از نظر قانونی نه‌تنها جرمی مرتکب نشده است، بلکه از ارزش‌های اسلامی نیز پاسداری کرده است. به یاد داشته باشیم وقتی از تعرض صحبت می‌کنیم این تعرض شامل تعرض جنسی مرد به همسرش نمی‌شود، زیرا در اسلام و قوانین اسلامی و مذهبی این وظیفه تخطی‌ناپذیر زن است که هر زمان که مرد اراده کند همسرش باید در خدمت رفع نیاز جنسی، شوهر آماده‌به‌خدمت باشد. همین شرایط قانونی و عرفی و فرهنگی حاکم که مداوماً توسط حکومت بازتولید می‌شود به مردان عقب‌مانده مردسالار امکان تعرض بیشتر می‌دهد. در قوانین جمهوری اسلامی ازدواج دخترتجه ۹ ساله قانوناً به رسمیت شناخته شده و یک مرد بالغ می‌تواند با این کودک رابطه جنسی برقرار کند. در توضیح‌المسائل خمینی حتی نوع رابطه جنسی مرد با دخترتجه شیرخواره هم قید شده است. در قوانین اسلامی پدر در مورد ازدواج دختر حق تصمیم‌گیری چون‌وچرا دارد و در صورت در قید حیات نبودن پدر، افراد ذکور خانواده قانوناً حق دخالت مستقیم و تصمیم‌گیری در زندگی خصوصی زنان خانواده را دارند. قتل‌های ناموسی نیز زیر سایه قوانین و تبلیغات اسلامی عملاً مورد تشویق و تأیید قرار می‌گیرد و در مواقع زیادی قاتلین یا بازداشت نمی‌شوند یا احکام بسیار سبکی دریافت می‌کنند. مثال‌ها علیه ستم‌کشی قانونی زیر سایه شوم حکومت اسلامی بسیار فراوان است و نیاز به تحقیق و تفحص فراوانی ندارد.

اما آنچه که حقیقت دارد این است که علی‌رغم این باتلاقی که رژیم اسلامی تولید می‌کند جامعه در مقیاس قابل‌ملاحظه‌ای خواهان زندگی انسانی و برابر برای همه زنان و مردان است. نگاه مردان بسیاری به زنان،

برابری‌طلبانه و پیشرو و مدرن است. این را هم گفته باشم که جنبش‌های مدرن و برابری‌طلبانه و طرف‌دار آزادی و رهایی زن نقش مهمی در مقابله با مذهب و مردسالاری در ایران ایفا کرده است. پیروی از حقوق زن و به‌رسمیت‌شناختن هویت و کرامت زن در میان بخش قابل‌ملاحظه‌ای از مردان جامعه نشانه مبارزه آگاهانه با حکومت اسلامی و فرهنگ مردسالار است. آن مخالفین خارج از حکومت - از جمله سلطنت‌طلب‌ها - که رفع ستم تاریخی و فرهنگی و رهایی زن از همه اشکال بی‌حقوقی فردی و اجتماعی دردشان نیست طبعاً غیر از چسبیدن به بی‌حجابی در دوران حکومت گذشته حرفی برای گفتن ندارند. این جماعت نیز هر زمان که با مخالف سیاسی خود روبرو شوند، اگر طرف زن باشد فحش ناموسی نثار خودش می‌شود و اگر مخالف مرد باشد چنین فحش‌های مشمئزکننده و چندش‌آور ناموسی نثار مادر و خواهر و عمه مخالف موردنظر می‌شود. خلاصه کنم مردسالاری در جامعه بیداد می‌کند، اما روندی که طی می‌شود با شتاب به‌سوی تسویه‌حساب جدی اجتماعی با مردسالاری و مذهب زدگی است. با این وجود تصور کنید که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی این روند مقابله و مبارزه با مردسالاری در چه ابعاد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی گسترش پیدا می‌کند. وقتی زنان قانوناً به همه حقوق انسانی خود دست پیدا کنند و همچنین از نظر اقتصادی وابسته به مردان خانواده نباشند و از استقلال اقتصادی برخوردار باشند و در برابر تعرض جسمی و جنسی مورد حفاظت دولت و سیستم حاکم مصون باشد و برای کسانی که در معرض خطر قرار دارند به فور مراکز و خانه‌های امن نیز وجود داشته باشد و صدها اقدام رفاهی ازین دست، و از "گهواره تا گور" برابری‌طلبی بین زن و مرد تدریس، و در اجتماع پراتیک شود، آنگاه باید گفت که جامعه قدم‌های جدی در جهت زدودن ستم بر زن و تضعیف مردسالاری برداشته و به‌پیش می‌رود. این روند دوری‌جستن فردی و اجتماعی از مردسالاری و مذهب در ایران با شتاب در حال پیشروی است و زنان البته در رأس این پیشروی تاریخی قرار دارند.

انترناسیونال: با این حساب آیا باید منتظر سرنگونی جمهوری اسلامی شد تا مردسالاری و خشونت بر زنان در خانه و ستم جنسیتی از بین برود؟ از همین حالا چه می‌شود کرد؟

کیوان جاوید: از همین حالا باید نگاه خودمان را عمیقاً عوض کنیم. مرد و زن برابرنند. این را کاملاً درونی کنیم. بگذاریم بخشی از هویت انسانی ما باشد. در همه امور فردی و اجتماعی برابری حقیقی و انسانی را با زنان عملی کنیم. اینجا منظور فقط مردان نیستند که باید این‌طور یا آن‌طور عمل کنند. زنان نیز باید هویت مستقل خود را به رسمیت بشناسند و تحت تأثیر مردسالاری نباشند. هر چند زنان با جان و همه وجودشان این تبعیض جنسیتی را می‌بینند و درک می‌کنند، اما نباید انتظارشان از مردان محدود به یک حامی خوب و مهربان یا یک سرپرست یا رئیس خوب خانواده باشد. این‌ها ربطی به رهایی زن ندارد. مرد و زن دو‌گونه از یک انسان واحد هستند. این دو‌گونه باید برابر باشند. این را از همین امروز باید پراتیک کرد. همین امروز برای حفاظت از زنانی که مورد تعرض مذهب و اسلام و مردسالاری حاکم قرار دارند باید فعالیت متشکل سازمان داد. باید برای حقوق رفاهی زنان مبارزه کرد و آبروتاید جنسیتی حکومت اسلامی را شدیداً به چالش کشید و شکست داد. همین قانون حجاب را نگاه کنیم تا ببینیم مبارزه عمومی و اجتماعی ما مردم چه به‌روز رژیم آورده است. هر دانه‌ای که امروز بکاریم و در برابر همه بلاهای طبیعی و اجتماعی از آن حفاظت کنیم فردا محصول آن را به‌وفور خواهیم چید. این محصول چیزی به‌جز رهایی و آزادی زنان و رسیدن به یک جامعه انسانی نیست. من عمیقاً باور دارم که چنین جامعه‌ای فقط می‌تواند یک جامعه سوسیالیستی باشد. جامعه‌ای که نیازی به این ندارد که بین زن و مرد تفاوت باشد تا از این تفاوت اسکناس جیب حاکمین بیشتر شود.*

سکوت نماینده دولت آمریکا در نشست حقوق بشری ژنو

مهران محبی

دولت آمریکا در چهل و هشتمین نشست

بررسی دوره‌های جهانی شورای حقوق بشر.

سازمان ملل متحد در "ژنو" از اعتراض

نسبت به کارنامه حقوق بشری جمهوری اسلامی خودداری کرد. گفته می‌شود از سال ۲۰۱۰ دولت آمریکا همواره از نقض حقوق بشر در ایران انتقاد کرده و در این رابطه پیشنهادهایی را هم ارائه کرده است؛ ولی امسال بعد از ۱۵ سال، با رویکردی خلاف گذشته با سکوت خود در حالی که دولت‌هایی مانند انگلیس، سوئد، سوئیس، پاراگوئه و آلمان نقض حقوق زنان، آمار بالای اعدام‌ها و سرکوب مخالفان توسط جمهوری اسلامی را محکوم کردند، عملاً موافقت و یا حداقل بی‌تفاوتی خود نسبت به نقض حقوق بشر توسط رژیم اسلامی را اعلام کرد.

این اعلام موضع دولت ترامپ در برابر تشدید سرکوب مخالفین، بالا رفتن تعداد اعدام‌ها و اعمال فشارها بر زنان، اقلیت‌های مذهبی و ده‌ها و صدها مورد دیگر از نقض حقوق اولیه انسان‌ها توسط جمهوری اسلامی پیامی متقابل به نرمش‌ها و کرنش‌های سران حکومت در شرایط جدید است که اگر همچنان که در پیام‌هایشان سعی می‌کنند نشان دهند، در عمل هم بر سر پذیرش شروط ترامپ در مناقشات هسته‌ای و منطقه‌ای جدی باشند، حمایت یا حداقل چشم‌پوشی وی بر جنایاتی که در عرصه داخلی علیه مردم ایران بکار می‌گیرند را با خود به همراه خواهند داشت.

ترامپ با این سکوت عملاً "حسن نیت" خود را نسبت به صحبت‌های پشت پرده و پیغام‌های مکرر سران حکومت اسلامی در دوره اخیر نشان داده است تا جمهوری اسلامی را به تسلیم عملی در برابر خواست‌های خود بکشاند و تا حالا نشانه‌های زیادی از موفقیت او عیان شده‌اند. چراغ‌سبز فوری خامنه‌ای برای مذاکره، مهم‌ترین و مطلوب‌ترین پاسخ به ترامپ است.

خامنه‌ای روز سه‌شنبه در دیدار با مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی در رابطه با مذاکره با ترامپ چراغ‌سبز خود را تحت لوای توصیه‌های به اصطلاح دوراندیشان و هشیارانه، مبنی بر اینکه باید چشم‌هایشان (چشم‌های خود و سران رژیم) را باز کنند و حواسشان باشد که با چه کسی معامله می‌کنند، نشان داد و به دنبال آن هم مقامات و رسانه‌های حکومتی به تکرار و بازتاب موافقت "حکیمانه" خامنه‌ای با مذاکره با ترامپ پرداختند.

این میزان از تمایل به تسلیم خامنه‌ای برای ترامپ در حال حاضر کافی است تا برای ترغیب او به تمکین و تسلیم عملی‌اش در مناقشات هسته‌ای و منطقه‌ای تا این حد با او کنار بیاید. او نیز مانند خامنه‌ای تعریف ویژه خود و تا حد زیادی نزدیک به خامنه‌ای از حقوق بشر دارد. از همان روز تحلیفش به دنیا فهماند که با جمهوری اسلامی در معنکردن و رعایت حقوق بشر تفاوت چندانی ندارد. ترامپ اولین فرمان‌ها را در نقض و نادیده گرفتن حقوق مهاجرین و LGBT‌ها امضا کرد. به مهاجرین به‌زعم او غیرقانونی انگ و اتهام دزد و مجرم زد و تا حالا طبق اخبار منتشر شده، مأموران اداره مهاجرت آمریکا از ابتدای تصویب فرمان ترامپ در کنگره هزاران نفر و از جمله ۱۲۰۰ نفر فقط در یک روز بازداشت کرده‌اند. در کمتر از ده روز هزاران کارگر و انسان بی‌دفاع که از فقر و ناامنی و برای دستیابی به شرایطی بهتر برای زندگی به آمریکا مهاجرت کرده بودند، اخراج شده و همانطور که ترامپ در مراسم تحلیفش گفت، قصد دارد میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی را اخراج کند که در تاریخ آمریکا بی‌سابقه است. همچنین

LGBT‌ها را از کلیه حقوق اقتصادی و اجتماعی محروم کرده است.

از این رو آنچه که در زمینه حقوق بشر با به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا در حال وقوع است، ۴۵ سال است که در سطحی وسیع‌تر در ایران توسط جمهوری اسلامی اعمال می‌گردد. ترامپ یک فاشیست است که تفاوت فاشیسم او با خامنه‌ای و جمهوری اسلامی در نوع مکتب و ایدئولوژی آنها است. فاشیسم ترامپ از نوع ناسیونالیستی و فاشیسم خامنه‌ای از نوع مذهبی و اسلامی است.

تقابل ترامپ با خامنه‌ای، تقابل دو فاشیست است. فاشیستی که می‌خواهد ناسیونالیسم در آمریکا را با اخراج میلیون‌ها مهاجر و جذب سرمایه‌های خارجی با دادن امتیازهای مالیاتی و رونق بخشیدن به اقتصاد به اصطلاح ملی به سطح بیاورد، مصمم است تا فاشیست اسلامی که هر جنایتی برای هموار ساختن مسیر گسترش اسلام و ارتجاع اسلامی مرتکب می‌شود را به تسلیم بکشاند.

در این تقابل، موقعیت فاشیسم اسلامی خامنه‌ای روبه‌زوال است و ناقوس مرگ آن به صدا درآمده است. اما فاشیسم ترامپ با اینکه کپی شده از روی نسخه منسوخ شده و شکست خورده در قرن بیستم است، خود را تازه‌تولد یافته و مدعی داشتن راه‌حل برای بحران سرمایه‌داری تعریف می‌کند. ترامپ می‌تواند خامنه‌ای را شکست دهد، ولی نه می‌تواند سرمایه‌داری آمریکا را با شعار "اول آمریکا" که مبین سیاست عمیقاً ناسیونالیستی او است با از سر راه برداشتن "موانع" - حذف خدمات رفاهی و اجتماعی، اخراج مهاجرین غیرقانونی، خروج از معاهدات بین‌المللی در زمینه بهداشت و غیره و کاهش مالیات‌ها و آوردن میلیاردرها به کابینه دولت - از بحران‌های دوره‌ای و بحران‌های محتمل غیردوره‌ای و خطر خیزش‌های توده‌ای محفوظ کند و نه با ادعای پایان دادن به ناامنی‌های منطقه‌ای که امروز کشتیرانی تجاری را مختل کرده است، دنیایی آرام برای سرمایه‌داری جهانی فراهم کند.

بازگشت مجدد فاشیسم ناسیونالیستی که با ترامپ نمایندگی می‌شود، پاسخی برای حل بحران سرمایه‌داری بعد از تجارب شکست‌خورده مکتب اقتصادی کینزیسم و فریدمنیسم است که می‌خواهد با بازگردان موقعیت آقایی و کنترل آمریکا بر جهان، جنگ‌ها را پایان دهد و صلح برقرار سازد.

اما این فقط یک توهم است. دنیا تحت حاکمیت سرمایه‌داری، تنها دنیای سرمایه‌داران یک‌درصدی نیست. در برابر این یک درصد مفت‌خور، جبهه‌ای با اکثریت مطلق ۹۹ درصد از مردم محروم قرار دارد که در برابر توحش بی حد نظام نابرابر سکوت نخواهد کرد. در صف اول این جبهه امروز مردم ایران هستند که جمهوری اسلامی را به آستانه سرنگونی کشانده‌اند. با پیروزی انقلاب مردم ایران، زمین زیر پای سرمایه‌داری جهانی لرزان‌تر خواهد شد.

ترامپ که امروز با به تسلیم واداشتن جمهوری اسلامی شکست‌خورده از مردم سرنگونی طلب، "باد به غبغب" می‌اندازد، حساب این را نکرده است که جمهوری اسلامی تضعیف شده و رام شده از نظر او، توسط مردم راحت‌تر سرنگون خواهد شد و خواب و خیال‌های تضمین بهشت ابدی برای سرمایه‌داری توسط خیزش‌های ۹۹ درصدی‌ها باطل خواهند گردید.

پیشروی انقلاب ما مردم در ایران، دوباره لحن دولت آمریکا را به ناچار به نفع مردم تغییر خواهد داد.*

اطلاعه‌های هفته اخیر

تجمعات بازنشستگان مخابرات در پانزده شهر،
بازنشستگان معلم ۱۴۰۲ و دو خبر دیگر

امروز یکم بهمن ماه بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای اصفهان، ایلام، کرمانشاه، ارومیه، تهران، اهواز، بیجار، رشت، خرم‌آباد، شهرکرد، قائم‌شهر، زنجان، همدان، سنندج و تبریز برگزار شدند. در ارومیه بازنشستگان علی‌رغم بارش برف و برودت هوا تجمع داشتند و در تهران علی‌رغم آلودگی شدید هوا آنها تجمع خود را بر پا کردند.

اعتراض سراسری بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی و اختلاسگری‌های حاکم و بساط سرکوب حکومت است و مطالبه فوری آنها اجرای همسان‌سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای رقم سبد معیشتی ۴۵ میلیونی و درمان رایگان است. بازنشستگان مخابرات بعلاوه خواهان اجرای آیین‌نامه ۸۹/۲۴ مردادماه سال ۸۹ هیئت‌مدیره وقت شرکت مخابرات ایران و پایان دادن به اختلاسگری‌ها هستند. اعتراض به چپاولگری‌های سهام‌داران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه محور اصلی شعارهای اعتراضی بازنشستگان مخابرات است.

در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "از بس دروغ شنیدیم، عدالتی ندیدیم"، "ستاد اجرایی، حق ما را خورده، مخابرات رو برده"، "بازنشسته داد بزن، حق‌تو فریاد بزن"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "می‌جنگیم، می‌جنگیم، حقمون رو می‌گیریم"، "مدیر بی‌کفایت استعفا، استعفا"، "سهام‌دار عمده حق ما را خورده"، و "بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد".

در ساعت ۹ صبح این روز همچنین جمعیت قابل‌توجهی از بازنشستگان معلم ۱۴۰۲ برای نهمین بار و جهت پیگیری مطالبات خود در تهران مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. این تجمع علی‌رغم تهدیدات امنیتی برپا شده و در آن معلمان بازنشسته با سردادن شعار "وزیر بیا پایین" خواهان پاسخگویی وزیر شدند و سپس با جمعیت بزرگ خود در ساعت ۱۲:۵۰ خیابان قرنی را مسدود کردند. اعتراض این بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت ۶۰ درصد پاداش بازنشستگی (سنوات پایان خدمت) بعد از گذشت هفده ماه است.

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش زیر فشار تجمع کنندگان وعده پرداخت پاداش پایان خدمت سال ۱۴۰۲ تا ماه آینده را داد. اما بازنشستگان خواستار پرداخت فوری طلب‌هایشان هستند. بنا بر خبرها مأموران حکومتی با استفاده از اسپری گاز فلفل تجمع معلمان بازنشسته را مورد یورش قرار دادند. اما تجمع کنندگان با هو کردن و شعاردهی به اعتراضشان ادامه دادند و بعد با ترک محل بر پیگیری اعتراضاتشان تأکید کردند. بازنشستگان معلم در این تجمع از جمله شعار می‌دادند: "کاظمی دروغ‌گو، وزیر بی‌لیاقت استعفا، استعفا"، "نگاه پشت شیشه پاداش ما نمیشه"، "۴۰۲ داد بزن، حق‌تو فریاد بزن"، "این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده ملتی"، و "اگر عدالتی بود معلم اینجا نبود". شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ضمن گزارش خبر این تجمع اعتراضی حمایت خود را از مطالبات و اعتراض بازنشستگان معلم اعلام کرده و هشدار داد که در صورت عدم رسیدگی به خواست‌های همکاران بازنشسته احتمال پیوستن شاغلین به این اعتراضات وجود خواهد داشت.

در این روز همچنین کارگران صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) برای چندمین بار پیاپی طی دو هفته گذشته در اعتراض به تعویق سه ماه

دستمزد و مشکلات محاسبه سوابق سختی کار بازنشستگی ۹۱ نفر از کارگران و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان مقابل این مجتمع صنعتی دست به تجمع اعتراضی زده و خواهان رسیدگی به خواست‌های خود شدند.

در روز گذشته نیز جمعی از سوی پرستاران معترض مال‌باخته سهام‌دار پروژه پرستاری "ایمان" مشهد در برابر سازمان مرکزی نظام پرستاری در تهران در اعتراض به بالا کشیده شدن سپرده‌هایشان در این پروژه جریان یافت. پروژه ایمان مشهد در سال ۹۳ از پرستاران بسیاری تحت عنوان فروش سهام به اعتبار نظام پرستاری پول دریافت کرده و با زد و بندهای پشت پرده حق پرستاران را ضایع کرده است. این پرستاران سال‌های زیادی پیگیر حق بریادرفته خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ بهمن ۱۴۰۳، ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی بیش از دو هزار کارگر ارکان ثالث در
تهران مقابل مقر رئیس‌جمهور اسلامی

بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران ارکان ثالث، امروز ۶ بهمن بیش از دو هزار کارگر ارکان ثالث از تمام مراکز نفت، گاز و پتروشیمی از سراسر کشور در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود و در ادامه اعتراضاتشان به تهران رفتند و در مقابل نهاد ریاست‌جمهور اسلامی تجمع کردند. نیروهای انتظامی وسیعاً در محل حضور یافته بودند و تلاش می‌کردند فضای رعب ایجاد کنند. اما کارگران بی‌توجه به حضور سنگین نیروهای انتظامی، به تجمع و شعاردادن و تأکید بر خواست‌های خود ادامه دادند. کارگران معترض از جمله شعار می‌دادند: "اسمش وزیر کاره، حامی پیمانکاره"، "ما پیمانکار نمی‌خوایم، ما استثمار نمی‌خوایم".

اعتراض علیه پیمانکاران اعتراض سراسری همه کارگران نفت است و پایان دادن به مفت‌خوری مافیای دلالان و پیمانکاران مورد تأکید همه کارگران است.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزات این کارگران بر اتحاد سراسری همه کارگران نفت برای اعتراض علیه بساط چپاولگرانه پیمانکاران و حمایت دیگر بخش‌های کارگری از این اعتراضات تأکید دارد.

خواست‌های کارگران ارکان ثالث سراسری است و از جمله عبارت‌اند از: حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، حق تشکل، تجمع و اعتراض، بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی ملی حفاری و دیگر بخش‌های نفت، پرداخت تمام حقوق معوقه همانند دیگر کارکنان و یک پی طبقه‌بندی مشاغل از اول سال ۱۴۰۳، بهره‌مندی از وام ۳۰۰ میلیونی بدون بهره، بهره‌مندی از پاداش طرح رجایی، استفاده از امکانات رفاهی و ورزشی شرکت و...، تبدیل وضعیت استخدامی، و ایجاد امنیت شغلی برای کارگران و بهبود شرایط کار. از خواست‌های این کارگران وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ بهمن ۱۴۰۳، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۵

اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در

چندین شهر

درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید

امروز هفتم بهمن ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی برای پیگیری مطالبات خود به روال هر هفته در شهرهای اهواز و تهران تجمع کردند. در اهواز شمار قابل توجهی از بازنشستگان مقابل اداره کل این سازمان تجمع کردند و سپس دست به راهپیمایی زدند و شعار می دادند "وعده وعید چه خوب بود، اما همه اش دروغ بود!"، "ایرانو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "تجمع، اعتراض، حق مسلم ماست!"، "کو مهار تورم، دروغ نگویند به مردم"، "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید"، "ایران پردرآمد، مسئول بی لیاقت چه بر سر تو آورد"، "حاصل کار دولت. غارت جیب ملت"، و "نه خواری، نه ذلت، مرگ بر این عدالت". بازنشستگان با این شعارها انزجار خود را از وضعیت موجود و اختلاس ها و فقر و بی تاملی فریاد می زدند.

اعتراض به فقر و بی تاملی و اختلاسگری های حاکم و سرکوبگری ها موضوعات مشترک اعتراض همه بخش های بازنشستگان و همه مردم است که خود را در فریاد "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" بازتاب می دهد.

دو مطالبه فوری بازنشستگان اجرای کامل همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای رقم سبد معیشتی است که امروز بالای ۴۵ میلیون تومان در ماه است. یک خواست به حق بازنشستگان درمان رایگان و مناسب است. دیگر مطالبات اعلام شده بازنشستگان از جمله عبارت اند از:

پرداخت ۲۵ درصد باقی مانده از متناسب سازی سال های قبل، اجرای مفاد ۱۱۱ و ۹۶ تأمین اجتماعی، اجرای دائمی متناسب سازی، پرداخت عیدی همانند کارگران شاغل، پرداخت حق عائله مندی به بانوان مستمری بگیر، پرداخت مزایای حق اولاد و مسکن مانند کارگران شاغل، حذف دو درصد ماده ۸۹، اصلاح ضریب متناسب سازی بازنشستگان سال ۸۶ و ۸۷، حذف ماده ۶۹ تأمین اجتماعی یا تسری آن به کلیه بازنشستگان همکار و غیر همکار.

در این روز همچنین به روال یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان فولاد و معدن در اصفهان، دامغان، اهواز و کرمان نیز تجمع داشتند. در اصفهان مثل هر هفته جمعیت بزرگی جمع شده بودند و راهپیمایی کردند و شعار دادند.

لغو قرارداد با بیمه دانا و انعقاد قرارداد با بیمه آتیه سازان حافظ موجب بدتر شدن ارائه خدمات درمانی به این بازنشستگان و مشکلات بیشتر آنها شده است و بازنشستگان فولاد به آن اعتراض دارند و خواهان درمان رایگان هستند. بازنشستگان فولاد در اهواز شعار می دادند: "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "دزدیهاتون را کم کنید، مشکل ما را حل کنید"، "این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی"، "پول ندارد این دولت برای بازنشسته، تمام پول ملت برای اختلاسه"، و "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون".

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ بهمن ۱۴۰۳، ۲۶ ژانویه ۲۰۲۵

تجمع و اعتراض کارگران رسمی نفت در لاوان، و

جویندگان کار در گچساران

اعتراضات بخش های مختلف کارگران نفت همچنان ادامه دارد و در حال گسترش است. امروز ۸ بهمن ماه کارگران رسمی عملیاتی جنوب شاغل در شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان در ادامه اعتراضاتشان بار دیگر دست به تجمع زدند. افزایش حقوقها، حذف تفکیک مشاغل در مناطق

عملیاتی و خارج نمودن فوق العاده های مناطق عملیاتی از سقف حقوق از جمله خواست های فوری این کارگران است.

امروز ۸ بهمن ماه کارگران ارکان ثالث شرکت پالایش گاز فجر جم نیز با تجمع و راهپیمایی و در دست داشتن بنرهای اعتراضی تجمع و اعتراض کردند و بر خواست های خود تأکید نمودند.

در این روز همچنین شماری از مردم جویندگان کار در روستای دیل از توابع گچساران با سردادن شعار و برافراشتن بنرهایی در اعتراض به بیکاری و عدم استخدام خود در پتروشیمی گچساران تجمع کردند. مردم می گویند رانت خواران همه پست ها را اشغال کرده و سهم ما آلودگی محیط زیست است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ بهمن ۱۴۰۳، ۲۷ ژانویه ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان مخابرات و کشاورزان اصفهان

امروز هشتم بهمن ماه بازنشستگان مخابرات به روال هر دوشنبه در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای تهران، اصفهان، کرمانشاه، ایلام، تبریز، سنندج، اهواز، و زنجان برپا شد. یک محور اصلی اعتراضات و شعارهای بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف علیه سهام داران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه است.

در اصفهان بازنشستگان با شعار "نه گرما، نه سرما نیست جلودار ما" بر پیگیری اعتراضاتشان تأکید کردند. در تهران بازنشستگان در هوای بارانی تجمع داشتند و با کوبیدن و شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکا است" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

بازنشستگان مخابرات در کرمانشاه و ایلام مقابل ساختمان مخابرات تجمع داشتند و شعار می دادند: "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "دیگه نگید نداریم، خسته از این شعاریم"، "فکر نکنید ما پیریم! حقمان را می گیریم!"، و "مسئول بی لیاقت نمیخوایم نمیخوایم".

اعتراض بازنشستگان مخابرات همچون دیگر بخش های بازنشستگان به فقر و بی تاملی و دزدی ها و بساط سرکوبگری های حکومت است. این بازنشستگان همچنین به عدم اجرای آیین نامه ۸۹/۲۴ مردادماه سال ۸۹ هیئت مدیره وقت شرکت مخابرات ایران اعتراض دارند.

علی رغم هوای سرد و بارندگی در این روز همچنین کشاورزان اصفهان در خوراسگان در اعتراض به یورش وحشیانه سرکوبگران به تجمعشان در روز گذشته و دستگیری یکی از کشاورزان معترض تجمع کردند و خواستار آزادی همکار بازنشسته خود شدند. این کشاورزان در اعتراض به مشکل حبابه و وضعیت بد کاری و معیشتی خود در روز گذشته تجمع کرده بودند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ بهمن ۱۴۰۳، ۲۷ ژانویه ۲۰۲۵

تجمع و راهپیمایی کارگران ارکان ثالث شرکت پالایش گاز

فجر جم

در ادامه اعتراضات کارگران ارکان ثالث نفت، امروز ۸ بهمن ماه کارگران ارکان ثالث شرکت پالایش گاز فجر جم با تجمع و راهپیمایی و در دست داشتن بنرهای اعتراضی تجمع کردند. اعتراض این کارگران به پایین بودن مزد و گرانی های سرسام آور و مدیران و پیمانکاران چپاولگر نفت است که در شعارهایشان بازتاب داشت. افزایش دستمزدها تعلقات مزدی و برچیده شدن بساط پیمانکاران دو خواست فوری کارگران ارکان ثالث

است. با تکرار تجربه مردم اراک و تجمعاتی از نوع تجمعات مردم در این شهر در همه شهرها با این سیاست جنایت کارانه حکومت باید مقابله کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ بهمن ۱۴۰۳، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵

برای آزادی دستگیرشدگان اعتصاب عمومی کردستان

بعد از اعتصاب عمومی قدرتمند مردم در حداقل ۱۲ شهر کردستان، نیروهای سرکوب حکومت اسلامی اقدام به احضار، بازداشت و انتقال تعدادی از شرکت کنندگان در اعتصاب و تعدادی از فعالین محیط زیست به مکان‌های نامعلوم کردند که تا کنون از سرنوشت و وضعیت آنان اطلاعی در دست نیست.

حکومت اسلامی در اوج استیصال و درماندگی در برابر اعتصاب عمومی مردم کردستان خود را شکست خورده احساس کرد و طبق معمول تلاش خود را بکار گرفت تا یاس و ناامیدی خود در رابطه با اعتصاب عمومی متحدانه مردم کردستان علیه احکام و مجازات ضدانسانی اعدام را تلافی کند. این تقوای مذبحخانه نهادهای اطلاعاتی و مزدوران حکومت در پلمب مغازه‌ها و دستگیری‌ها بعد از هر اعتصاب عمومی یا هر تجمع اعتراضی امر تازه‌ای نیست. هر بار که فضا و موج رو به گسترش خشم مردم را در مقابل خود می‌بیند دست به این اعمال وحشیانه می‌زند. مردم مبارز کردستان!

باید برای آزادی دستگیرشدگان به میدان بیاییم. نباید عزیزان دستگیر شده را تنها بگذاریم. باید برای آزادی آنان از چنگال قاتلان اسلامی دست بکار شویم. همراه با خانواده دستگیرشدگان و همه بخش‌های جامعه به این وحشیگری حکومت اسلامی و نهادهای سرکوب آن دسته‌جمعی و متحدانه اعتراض کنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن رفتار مأموران و نهادهای حکومت اسلامی، از همه فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی، تشکل‌های کارگری، زنان، جوانان، فعالین محیط زیست، گروه‌های کوهنوردی، ورزشکاران و همه مردم شرافتمند کردستان می‌خواهد که برای آزادی دستگیرشدگان به هر شکل که می‌توانند از جمله تجمع در مقابل مراکز حکومتی دست به اعتراض بزنند. باید با تمام توان در مقابل هر نوع سرکوبگری حکومت متحدانه ایستاد. حکومت شکست خورده اسلامی باید بداند این جنبش عظیم علیه احکام و مجازات اعدام که در قامت اعتصاب عمومی در کردستان و در بسیاری از زندان‌ها افکار عمومی داخل و خارج را به خود جلب کرده است، با همان قدرت و توان برای آزادی دستگیرشدگان و تا لغو احکام اعدام و آزادی وریشه و پخشان و دیگر زندانیان سیاسی محکوم به اعدام اعتراض و مبارزه خود را تا رسیدن به خواست‌هایش ادامه خواهد داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۹ بهمن ۱۴۰۳، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۵

است. در حرکت اعتراضی این روز کارگران شعار می‌دادند: "شورای عالی کار، به مشت مفت خور بیکار"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، و "دستمزد عادلانه حق مسلم ماست".

همانطور که قبلاً گزارش کردیم کارگران ارکان ثالث در روز ششم بهمن ماه از تمام مراکز نفت، گاز و پتروشیمی از سراسر کشور به تهران رفته و در مقابل مقر رئیس جمهوری اسلامی تجمع داشتند و با فریاد شعارهایی نظیر "اسمش وزیر کاره، حامی پیمانکاره"، "ما پیمانکار نمی‌خواهیم، ما استثمار نمی‌خواهیم" بر برجیده شدن کل شرکت‌های پیمانکاری تأکید کردند.

دامنه اعتراضات کارگران ارکان ثالث گسترده‌تر شده و بر فضای اعتراض در نفت بیش از پیش تأثیر گذاشته است. مطالبات و شعارهای اعتراضی این کارگران فریاد اعتراض همه کارگران و مردم است. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ بهمن ۱۴۰۳، ۲۷ ژانویه ۲۰۲۵

اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث لاوان و تظاهرات مردم اراک علیه مازوت‌سوزی

امروز پنجشنبه ۱۱ بهمن کارگران ارکان ثالث شاغل در شرکت نفت فلات قاره لاوان در ادامه اعتراضات خود دست به اعتصاب و تجمع زدند. در رابطه با این خبر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) می‌نویسد:

"همکاران در لاوان در همبستگی و هم‌صدایی با همکاران دیگرمان در شرکت پالایش گاز فجر جم که در روزهای گذشته با دست کشیدن از کار، راهپیمایی و شعاردهی بر خلاف خواست انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌های دولت ساخته که تماماً در خدمت به بالایی‌ها و مناسباتشان در این روزها قصد داشته‌اند اعتراضات ما کارگران معترض به شرایط غیرقابل تحمل اقتصادی و ناتوانی در تهیه اولین نیازهای زندگی، را به سکوت بکشانند، دست از کار کشیده و با برگزاری تجمع، اعتراض خود را نسبت به عدم تحقق خواسته‌ها و شرایط موجود اعلام نمودند".

تحکیم و گسترش اتحاد و همبستگی بخش‌های مختلف کارگران نفت به‌ویژه در میان کارگران ارکان ثالث یک تأثیر و دستاورد اعتراضات آنهاست و در این مدت این کارگران با اتکا به اتحاد و همبستگی خود تحرکات اعتراضی متعددی داشته و مبتکر تجمعات بزرگ چند هزار نفره بوده‌اند. این اقدام در عین حال هوشیاری این کارگران در برابر تشکل‌های دست‌ساز حکومتی را نشان می‌دهد. این تشکل‌های حکومتی در همدستی با حراست و نیروهای امنیتی سالیان سال نفت را به شکل پادگان درآورده و در آن فضای امنیتی شدیداً ایجاد کرده بودند و اکنون متوجه شده‌اند که کافیه را باخته‌اند و اعتراضات از همه‌جا می‌جوشد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزات بخش‌های مختلف شاغل در نفت حمایت کرده و همه بخش‌های جامعه را به حمایت از این مبارزات فرامی‌خواند.

اهم خواسته‌های کارگران ارکان ثالث عبارت‌اند از: حذف شرکت‌های پیمانکاری، افزایش مزد و پرداخت کامل معوقات مزدی در روزهای نزدیک به تعطیلات عید، اجرای صحیح و فوری طرح طبقه‌بندی مشاغل، استفاده برابر از مزایای خدماتی و رفاهی شرکت و...

خبر اعتراضی مهم دیگر امروز مربوط به هشتمین تجمع اعتراضی مردم اراک و مارش زیبای آنها در خیابان‌های شهر علیه مازوت‌سوزی است که جان و زندگی مردم را به خطر انداخته است. در این روز مردم با کوبیدن پا بر زمین و شعار "وزیر نفت و نیرو، استعفا، استعفا" صحنه پرشوری از اعتراض را آفریندند. آلودگی هوا و جنایت مازوت‌سوزی معضلی سراسری

جمهوری اسلامی
سرنگون باید گردد!

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۲ بهمن تا ۵ بهمن ۱۴۰۳

جمعه ۱۲ بهمن

جمهوری زن‌ستیز و جنایت‌کار جمهوری اسلامی با قوانین ارتجاعی و کل بساط آپارتاید جنسی‌اش باید به زیاله‌دان سپرده شود.

- بیش از هفده ماه از بازداشت اشکان محمدی، رامین محمدی، فرشید کاظمی، رضا کریم‌نژاد و مازیار نکویی پنج زندانی سیاسی اهل ایذه می‌گذرد. آنها با اتهاماتی از جمله تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی همچنان در وضعیت بلا تکلیفی قرار دارند.

آنها در تاریخ ۲۸ مهرماه در اعتراض به بیش از یک سال بلا تکلیفی خود در زندان دست به اعتصاب غذا زده بودند. اما پس از این اقدام، به سلول انفرادی در این زندان منتقل شدند و مدتی بعد با وعده مسئولان مبنی بر رسیدگی به پرونده‌هایشان، اعتصاب خود را پایان داده و به بند عمومی بازگردانده شدند. ولی همچنان در زندان نگه داشته شده‌اند.

سه‌شنبه ۹ بهمن

- روح‌الله خسروی، زندانی سیاسی محبوس در زندان سپیدار اهواز، به دلیل انتشار یک فایل صوتی به سلول انفرادی منتقل شد. این زندانی که پس از ۱۸ ماه بلا تکلیفی همچنان در بازداشت به سر می‌برد، با انتشار این فایل صوتی، ضمن شرح وضعیت خود، از سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر درخواست یاری کرده بود.

دوشنبه ۸ بهمن

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته برای پیگیری مطالباتشان در سطح سراسری و از جمله در اهواز تجمع کردند. یک محور اصلی اعتراضات و شعارهای بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف علیه سهام‌داران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه است.

یکشنبه ۷ بهمن

- بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل اداره کل این سازمان در خوزستان و فولاد در مقابل مؤسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد همچون یکشنبه‌های هر هفته و در بستر اعتراضات سراسری در اهواز تجمع کردند و پیگیر مطالبات خود شدند.

- زیر فشار فضای اعتراضی در خوزستان محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی رئیس‌جمهور معاون رئیس‌جمهور از وضعیت نابسامان و بی‌تامینی مطلق در شهرهای خوزستان گفت: "اهواز هنوز جنگ‌زده است!... او همچنین اظهار داشت: "هیئت دولت امروز نیم ساعت برای بررسی وضعیت اهواز وقت گذاشته و فهمیده است که این شهر پس از گذشت ۳۶ سال از جنگ ایران و عراق هنوز ویران و جنگ‌زده است و مردم از وضع آب و برق و خیابان‌ها و... ناراضی هستند! در دوران ۳۶ ساله پس از جنگ، ۶ رئیس‌جمهور و ۶ دولت جمهوری اسلامی، از جناح‌های گوناگون رژیم، بر سر کار بوده و همگی پیوسته ادعای پیشرفت و آبادی روزافزون کشور را داشته‌اند!

این گفته‌ها در عین حال نشانگر درهم‌ریختگی صفوف رژیم در برابر فضای انقلابی جامعه است.

شنبه ۶ بهمن

مردم خرم‌آباد در اعتراض به ساخت‌وساز در حریم مدبه کوه و کمربند سبز قاضی‌آباد، با راه‌پیمایی به محل کارگاه‌ها رفتند. معترضان خواستار توقف فوری پروژه‌ها و حفاظت از محیط‌زیست شدند و اعلام کردند که هیچ‌گونه تخریب و کوه‌خواری در این منطقه را نمی‌پذیرند.

- کشاورزان شادگان در اعتراض به تقسیم حقابه کشاورزی جلوی درب فرمانداری و مشکلات معیشتی خود مقابل فرمانداری تجمع کردند.

- بیش از بیست روز از بازداشت طارق کعبی اهل شهرستان شوش از توابع استان خوزستان و از کارگران هفت‌تپه، توسط نیروهای امنیتی گذشته است و تاکنون اطلاعی از سرنوشتش در دسترس نیست. این موضوع موجب نگرانی خانواده و همکارانش شده است. طارق کعبی روز چهارشنبه ۱۹ دی‌ماه در حال رفتن به محل کارش در شرکت هفت‌تپه در داخل سرویس شرکت توسط مأموران اطلاعات حکومت بازداشت شد.

طارق کعبی، ۲۹ ساله اهل شهرستان شوش و از کارگران شرکت هفت‌تپه می‌باشد. طارق برادر دو زندانی سیاسی ماهر و احمد کعبی است. پیش‌تر ماهر کعبی پس از گذراندن ۱۰ سال حبس از زندان اردبیل آزاد شده بود. احمد کعبی نیز هم اکنون در زندان مرکزی کرمان زندانی است.

پنجشنبه ۱۱ بهمن

- بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش در ادامه تجمعات روزهای یکشنبه برای ساعت ده صبح ۱۴ بهمن فراخوان به تجمع در مقابل درب فرمانداری شهرستان شوش فراخوان دادند.

چهارشنبه ۱۰ بهمن

- به دنبال اعتراضات بسیار کارگران، آخرین نفر از کارگران اخراجی گروه ملی فولاد اهواز به سر کار بازگشت و کارگران توانستند خواست بازگشت به کارگران همکاران خود را به مدیریت تحمیل کنند

لازم به یادآوری است که در اسفند سال ۱۴۰۲ بیش از ۲۵ نفر از کارگران معترض گروه ملی فولاد اهواز که در جریان اعتراضات قدرتمند این کارگران به سطح نازل حقوقها و اجرائشدن طبقه‌بندی مشاغل به دستور مدیرعامل سابق این مجموعه اخراج شدند که در نتیجه اعتراضات کارگران این شرکت و چندین تحصن از سوی کارگران اخراجی سرانجام این کارگران به کار بازگشتند. واحد خوزستان این پیروزی را به کارگران تبریک می‌گوید.

تحقق بخش قابل توجهی از مطالبات معوقه، فراری‌دادن مدیرعامل فاسد علی‌محمدی، کنترل تمام درهای ورود و خروج، هماهنگی کامل و اتحاد عمل میان همه شیفت‌ها و همه بخش‌ها، بازگشت به کار کارگران اخراجی، برگزاری مجامع عمومی پرشور و مؤثر، انتخاب نماینده‌های کارگران برای مذاکرات، تلفیق و همکاری نیروهای قراردادی و پیمانکاری، بازتاب گسترده رسانه‌ای و همراهی افکار عمومی، سازماندهی مستقل پر قدرت و متحد، تجمعات قدرتمند در کارخانه و در خیابان با تصمیم جمعی، همه و دستاوردها و درس‌های پرشور اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز است.

- عاطفه زغبی، زن ۱۷ ساله قربانی کودک‌همسری در شهرستان شوشتر استان خوزستان، قربانی یک جنایت شد. او درحالی که نوزادش را در آغوش داشت توسط پدر و برادرش به طرز وحشیانه‌ای با سلاح گرم در خانه‌اش به قتل رسید. طبق گزارشات قاتلین عاطفه با لباس مبدل نظامی وارد خانه شده و بعد از شلیک شانزده گلوله، جان این زن ۱۷ ساله را گرفتند.

انگیزه این جنایت، فرار عاطفه با مردی جوان و ازدواج با او بوده است. عاطفه دو سال پیش، به همراه همسرش از خانه فرار کرده بود و یک سال بعد، پدرش تهدید کرده بود که او را خواهد کشت. قتل ناموسی در قوانین جنایت‌کارانه اسلامی در حکومت آپارتاید جنسیتی عملاً مجاز است. ماده ۶۱۴ این قانون کثیف و جنایت‌کارانه اجازه آن را صادر کرده است. این رژیم اسلامی است که قاتل اصلی عاطفه و عامل چنین جنایاتی است. تحت حمایت قانون و بساط جنایت‌کارانه آپارتاید جنسیتی است که زنان چنین وحشیانه به قتل می‌رسند و قربانی می‌شوند و قاتلین به راحتی می‌گردند.

جمعه ۵ بهمن

بازداشت‌شدگان جریان دستگیری‌های شهر اهواز در اوایل دی‌ماه است که همچنان در بازداشت به سر می‌برد. تمامی این دستگیری‌شدگان باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۲ بهمن ۱۴۰۳، ۳۱ ژانویه ۲۰۲۵



اخبار خوزستان

امان جلالی نژاد و مهدی معمار، متهمان سیاسی که در یک پرونده قضایی مشترک هستند، بیش از ۹ ماه است که در زندان شیبان اهواز زندانی هستند. بنا بر خبرها روز چهارم بهمن پرونده آنها به دلیل عدم حضور قاضی از شعبه چهارم دادگاه انقلاب اهواز به شعبه سوم همان دادگاه منتقل شده است. اما تاکنون زمانی برای رسیدگی به اتهامات آنها تعیین نشده است.

قبلاگانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در گزارشی بدون اشاره به اتهامات مطروحه علیه امان جلالی نژاد، اعلام کرده بود که او توسط دادگاه کیفری به سه سال و شش ماه حبس محکوم شده است. همچنین در خبر دیگری از صدور شش ماه حکم برای مهدی معمار گزارش شده بود. امان جلالی نژاد و مهدی معمار باید فوراً آزاد شوند.

- ساعت یازده و نیم ظهر این روز خوابگاه دانشجویی پسرانه دانشکده پرستاری ماهشهر دچار آتش‌سوزی شد و به گفته مقامات مسئول این خوابگاه در حال حاضر قابل استفاده نیست. در این خوابگاه ۳۱ دانشجوی پرستاری ساکن هستند که جهت اسکان به یکی دیگر از خوابگاه‌های سطح شهر منتقل شدند. آتش‌سوزی در خوابگاه دانشجویی پسرانه دانشکده پرستاری ماهشهر نمونه دیگری از ناامنی خوابگاه‌ها و مراکز آموزشی و اماکن عمومی در سطح جامعه است.

- بنا بر خبرها محمد بوعدار ساکن منطقه باهنر یکی دیگر از

زنده‌باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

دیگر نمی‌پذیریم که یک اقلیت مفت‌خور و بی‌منطق و بی‌خاصیت بر ما حکومت کند. در این جامعه دیگر جایی برای تحمیل دیکتاتوری و مفت‌خوری و اختلاس و فساد و حاکمیت قوانین مذهبی و اسلامی نیست.

انقلاب زن‌زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و حزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

زنده‌باد انقلاب زن‌زندگی آزادی!
حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید